



جاودانگی و جهانی بودن اسلام، مقتضی نگاه همه‌جانبه آن به انسان و امور انسانی

جاودانگی و جهانی بودن دین اسلام به عنوان ویژگی‌های متمایزکننده اسلام از دیگر ادیان، مقتضی نگاه همه‌جانبه آن به انسان و امور انسانی است و از آن جمله قطعاً نمی‌تواند از جهت حضور و ایفای نقش در سطوح فردی و اجتماعی اخلاقی، نقصی داشته باشد.

جاودانگی و جهانی بودن دین اسلام به عنوان ویژگی‌های متمایزکننده اسلام از دیگر ادیان، مقتضی نگاه همه‌جانبه آن به انسان و امور انسانی است و از آن جمله قطعاً نمی‌تواند از جهت حضور و ایفای نقش در سطوح فردی و اجتماعی اخلاقی، نقصی داشته باشد.

حجت‌الاسلام و المسلمین مصطفی خلیلی، مدیر گروه اخلاق پژوهشکده علوم و حیانی معارج و از شاگردان علامه جوادی آملی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با طرح مباحثی در موضوع نسبت دین و اخلاق، و با اشاره به این مطلب که دیدگاه‌های رایج در این زمینه در سه دیدگاه تباین دین و اخلاق، اتحاد دین و اخلاق و تعامل دین و اخلاق قابل دسته‌بندی‌اند، به تبیین نظر آیت‌الله جوادی آملی به عنوان یکی از قائلان به اتحاد دین و اخلاق پرداخت.

وی دیدگاه تباین را مغایر با متون دینی و سیره معصومین(ع) و تقویت‌کننده اخلاق سکولار و بی‌بند و باری دانست و در مقابل از دیدگاه اتحاد، یعنی دیدگاه علامه جوادی آملی به عنوان دیدگاه برخاسته از متون دینی سخن گفت و درباره دیدگاه سوم، یعنی دیدگاه تعاملی اظهار کرد: این دیدگاه تاحدی به دیدگاه اتحاد شبیه است، اما با وجود این که چندان فاصله‌ای با آن ندارد، تفاوت‌هایی میان آن‌ها برقرار است.

دیدگاه قائلان به نسبت تعاملی دین و اخلاق

خلیلی ادامه داد: براساس دیدگاه تعامل هر کدام از اخلاق و دین، هویتی مستقل دارند، اما با وجود هویت مستقل، اخلاق و دین در هم تأثیر و تأثر دارند. برای مثال آیت‌الله مصباح، در میان علمای معاصر، چنین دیدگاهی را دارد. ایشان در کتاب «فلسفه اخلاق» صفحه 92، این دیدگاه را تقویت می‌کنند که ما نمی‌توانیم بگوئیم که اخلاق با دین اتحادی خیلی وثیق و نزدیک با هم دارند؛ بلکه اتحادشان در حد تعامل است و نمی‌توانیم این دو را یکی بگیریم.

قائلان به تباین دین و اخلاق، موضع خود را بر این فرض استوار می‌کردند که دین مربوط و محدود به ارتباط انسان با خداست، در حالی که ما به هیچ وجه این نظر را نمی‌پذیریم و معتقدیم که با بداهت عقلی این مطلب روشن است که دین محدود به رابطه فرد با خدا نیست.

مدیر گروه اخلاق پژوهشکده علوم و حیانی معارج در تشریح ادعای باورمندان به دیدگاه سوم عنوان کرد: این افراد می‌گویند که اخلاق به دین نیازمند است و شما نمی‌توانید این دو را از هم جدا کنید؛ اگر چه ماهیت این دو از هم جداست، اما نیازمندی دین به اخلاق یک نیازمندی ضروری است و بلاشک و بدون تردید است؛ یعنی هیچ جای تردیدی وجود ندارد که دین بدون اخلاق نمی‌توانیم داشته باشیم و به دلیل این که بخشی از دین به اخلاقیات آدمیان مربوط می‌شود، دین به اخلاق نیاز دارد.

وی با اشاره به نمونه‌هایی که قائلان به تعامل دین و اخلاق در اثبات ادعای خود نقل می‌کنند، گفت: ما در تبلیغ دین باید با سیره عملی و رفتاری، دیگران را دعوت به دین کنیم. در همه ادیان و حتی ادیان غیرالهی و ادیان وحیانی این چنین است و حتی اگر دقت کنید، می‌بینید که دین‌های بشری بیشتر به دنبال این امر هستند که افراد را با رفتار ظاهری خود به سمت عقاید یا ادیان و ایده‌ای که دارند سوق دهند. بر این اساس، این افراد نیاز تبلیغ دین به اخلاق را به عنوان یکی از نمونه‌های تعامل دین و اخلاق مطرح می‌کنند. همچنین از نیاز اخلاق به دین، در ضمانت اجرایی احکامش، به عنوان یکی دیگر از این نمونه‌ها سخن می‌گویند.

این شاگرد علامه جوادی آملی نقدهایی را بر این دیدگاه وارد دانست و با تأکید بر دیدگاه اتحاد به ارائه دلایلی برای اتحاد دین و اخلاق پرداخت و بیان کرد: در تقویت دیدگاه استاد بزرگوار جوادی آملی که همان دیدگاه اتحاد است، دلیل محکمی که داریم این است که قائلان به تباین دین و اخلاق، موضع خود را بر این فرض استوار می‌کردند که دین مربوط و محدود به ارتباط انسان با خداست، در حالی که ما به هیچ وجه این نظر را نمی‌پذیریم و معتقدیم که با بداهت عقلی این مطلب روشن است که دین محدود به رابطه فرد با خدا نیست.

خلیلی با اشاره به صفحه 16 جلد اول تفسیر «کشف الاسرار و عدة الابرار» ابوالفضل رشیدالدین میبدی که بر اساس «تفسیر الهروی» خواجه عبدالله انصاری نوشته شده، گفت: در این تفسیر، 12 تعریف یا به تعبیر نویسنده، 12 وجه برای دین

بیان شده است. نویسندگان معتقد است که واژه «دین» در قرآن، به معنای توحید، حساب، ملت، طاعت، جزا، شریعت، دعا و حتی شرك آمده است. بر این اساس نمیتوان گفت که دین فقط ناظر به رابطه انسان و خداست؛ بلکه مجموعه‌ای از تعالیم الهی است که نظارت و دایره خود را به عرصه‌های مختلف گسترده است.

وی با بیان این که بر این اساس، دینداری ابعاد مختلفی را شامل می‌شود، با استناد به دو ویژگی جاودانگی و جهانی بودن دین اسلام به عنوان ویژگی‌های متمایزکننده اسلام از دیگر ادیان، خاطرنشان کرد: دین اسلام از این جهت که تکمیل‌کننده ادیان پیشین و برترین ادیان زنده دنیاست، قطعاً نمیتواند از جهت حضور و ایفای نقش در سطوح فردی و اجتماعی اخلاقی، نقضی داشته و یا مانند مسیحیت و یهودیت، نگاهی تك بعدی به بشر داشته باشد؛ بلکه مقتضی نگاه همه جانبه به انسان و امور انسانی است.